

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۸ جنوری ۲۰۱۵

مردم یونان به ویژه کارگران، پایان یافتن سیاست ریاضت اقتصادی در کشورشان را اعلام کردند!

نتایج انتخابات روز یکشنبه بیست و پنجم جنوری ۲۰۱۵، اتحادیه اروپا به لرزه درآورده است. سؤال این است که آیا یونان با تاریخ و فلسفه و افسانه‌هایش، دروازه‌بر هم خوردن توازن قواء به نفع محرومان و کارگران اتحادیه اروپا خواهد شد؟ چرا نتایج انتخابات یونان حکومت‌های قدرت‌مند اروپا را به وحشت انداخته است؟

حدود ۹/۸ میلیون نفر واجد شرایط رأی در انتخابات روز یکشنبه ۳۰۰ عضو پارلمان را برگزیدند تا مسیر آینده اقتصادی این کشور را تعیین کنند. طبق آخرین نتایج به دست آمده، حزب سیریزا توانسته است ۱۴۹ کرسی از ۳۰۰ کرسی را به خود اختصاص دهد. اما حزب سیریزا، با اختلاف دو کرسی اکثریت مطلق نمایندگان مجلس یونان را دارا نیست و به همین دلیل ناگزیر از تشکیل یک حکومت ائتلافی خواهد شد.

الکسیس سیراس، رهبر حزب «سیریزا» پس از اعلام پیروزی این حزب در انتخابات پارلمانی یونان یکشنبه ۲۵ جنوری گفته است، پنج سال ریاضت اقتصادی، رنج و تحقیر مردم این کشور توسط وام‌دهندگان خارجی به پایان رسیده است.

الکسیس سیراس، رهبر ۴۰ ساله حزب «سیریزا» در طول مبارزات انتخاباتی‌اش وعده داده بود در صورت پیروزی این حزب، در خصوص شرایط وام‌های داده شده به یونان توسط صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا با این دو مذاکره خواهد کرد. الکسیس سیراس همچنین خواستار آن شده است که قسمتی از بدهی‌های یونان بخشیده شود.

الکسیس سیراس، حال سمت نخست وزیری را برعهده گرفته، جوان‌ترین رئیس دولت در یونان در طی ۱۵۰ سال گذشته محسوب می‌شود. سیراس، مطابق قانون اساسی یونان، به عنوان نخست وزیر معرفی شده و به زودی کابینه خود را به پارلمان معرفی خواهد کرد. همچنین در مراسمی که روز دوشنبه در کاخ ریاست جمهوری یونان در آتن برگزار شد، سیراس قول داد که منافع کشور را محقق سازد.

سیراس، هنگام ادای سوگند به عنوان نخست وزیر جدید یونان دست به یک بدعت زد و به عنوان نخستین نخست وزیر در تاریخ یونان سوگندی مذهبی یاد نکرد. در حالی که مرسوم است که نخست وزیران یونان سوگند مذهبی یاد کنند. سیراس، همچنین پیش از مراسم، از اسقف اعظم خواست که تصمیم وی برای عدم ادای سوگند مذهبی را به

کشیش اطلاع دهد. چرا که تاکنون اسقف نیز در مراسم سوگند نخست وزیر شرکت می‌کرده است. وی روز دوشنبه در کاخ ریاست‌جمهوری یونان سوگند یاد کرد که به عنوان نخست وزیر یونان نهایت قدرت خود را به «برای حفاظت از منافع مردم یونان» به کار گیرد. بنا بر گزارش‌ها، این سریع‌ترین و ساده‌ترین مراسم ادای سوگند در تاریخ دوران جدید یونان است.

وی در اولین حضور خود پس از ادای سوگند به عنوان نخست وزیر در انظار عمومی بر پای مجسمه یادبود یونانیان جان‌باخته در جنبش مقاومت یک دسته گل رز نهاد. در فاصله بین سال‌های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۴ صدها نفر در آتن به دست نیروهای اشغالگر حکومت المان نازی کشته شدند.

وی پس از اعلام پیروزی در انتخابات در اجتماع وسیع مردم آتن حضور یافت و اعلام کرد که ترویکا (صندوق پول، بانک مرکزی و کمیسیون اروپایی) دیگر به تاریخ گذشته یونان تعلق دارند و تفاهم‌هایی که دولت قبلی با آنان کرده است بنا بر رأی مردم یونان اعتبار خود را از دست داده‌اند.

سپیراس، گفته است: «سیریزا» چهره دگرگون شونده اروپاست. چهره کارگران، بیکارشدگان و بازنشستگان؛ جوانان؛ چهره خودکارفرمایان و مبتکران شرکت‌های کوچک و متوسط؛ چهره کشاورزان.

همه این مردم تصمیم گرفته‌اند که این کشور را دگرگون کنند و ورق را برگردانند. معضلی که مردم یونان با آن روبه رویند روشن است. انتخاب بین حکومت توافق‌نامه جاری با اتحادیه اروپا یا حکومت مردمی از طریق حزب «سیریزا»؛ انتخاب بین تبعیت محض یا مذاکرات سخت و تعیین کننده؛ انتخاب بین ریاضت یا رشد؛ برای آن که یونان دوباره کشوری متمدن بشود؛ برای آن که هم میهنانمان تا حد مرگ یخ نزنند به این جهت که توانائی پرداخت صورت‌حساب انرژی را ندارند. به طوری که هیچ‌یک از ما، هیچ‌کدام از خانواده‌هایمان سفره شان خالی نباشد.

آیا ما قول کمک هزینه می‌دهیم؟ نه!- ما خود را به تأمین ابتدائی‌ترین نیازهای مردمان متعهد می‌کنیم. ما قول کمک هزینه نمی‌دهیم. این تعهد ماست و اجراء خواهد شد؛ در همان روز اول دولت‌مان. این تعهدها در بیانیه حزب ما برای پارلمان جدید خوانده خواهد شد و اجراء آن‌ها علی‌رغم جریان مذاکرات آغاز خواهد شد. ما به بانک‌ها اجازه نخواهیم داد تا خانه‌های طبقه کارگر و طبقه متوسط را تصاحب کنند. این حرف آخر است و قابل مذاکره نیست.

ما نیازمند حمایت شما هستیم تا یونان روی پای خود بایستد. ما نیازمند اکثریت قاطع در پارلمان هستیم تا بتوانیم دولت «سیریزا» را تشکیل دهیم. این به مردم قدرت خواهد داد تا به خود متکی شوند.

ما این نبرد را تا پایان سخت آن می‌جنگیم و پیروز می‌شویم. ما این را به تاریخ مدیونیم. ما نسبت به آینده مسؤولیم. ما نیازمندیم که از این باتلاقی که دیربست در آن گیر کرده‌ایم، بجهیم. ما پیروز می‌شویم. ما تاریخ را می‌سازیم. (ترجمه: امیر هوشنگ اطمیابی)

در پی بحران مالی در یونان در سال گذشته، صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا به شرط اجرای برنامه ریاضت‌کشی اقتصادی و کاهش هزینه‌های جاری، ۳۱۸ میلیارد یورو به یونان وام و کمک‌های مالی دادند.

چرا که این وام‌ها صرفاً در اختیار دولت، بانک‌ها، سهامداران بزرگ و صاحبان صنایع و سرمایه‌داران گذاشته شده است نه مردم. سهم کارگران و محرومان جامعه از این وام‌های هنگفت «ریاضت‌کشی اقتصادی» است. به علاوه بخشی از وام‌ها بلافاصله به کشورهای وام‌دهنده به شکل خرید کالا و جنگ افزار بر می‌گردد.

نقش دولت‌های سرمایه‌داری و قدرت‌مند غربی، صاحبان سرمایه‌های بزرگ، بانک‌ها، شرکت‌ها و کنسرن‌های مالی و نظامی و صنعتی در تحمیل شرایط خویش به شهروندان کشورهای ضعیف‌تر، شرایط غیرقابل تحملی را به وجود آورده است.

به خصوص در سه دهه گذشته، بودجه‌های کلانی به عرصه میلیتاریسم اختصاص داده شده است. برای مثال، بودجه نظامی یونان در سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۷ میلیارد یورو بود که معادل ۳ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بود که در میان کشورهای ناتو پس از امریکا در مقام دوم قرار داشت. در همان سال، یونان ۲۲۳ عراده توپخانه ام-۱۰۹ و همچنین یک زیر دریایی کلاس ۲۱۴ از آلمان به ارزش ۴۰۳ میلیون یورو خریداری کرد. یونان و پرتگال بزرگترین وارد کنندگان اسلحه از آلمان هستند. لابی صنایع نظامی به طور دفاکتو خرید این تسلیحات را به عنوان پیش شرط وام‌های بازسازی اقتصادی یونان و پرتگال به میان می‌کشد. همچنین درآمدی که دول مسلط بر بازارهای مالی از محل وام به دولت‌های ضعیف‌تر به دست می‌آورند در گزارش ملحوظ نشده است. به طور مثال دولت آلمان تا پایان سال ۲۰۱۱ برای وام ۱۵/۷ میلیارد یورویی به یونان، مبلغ ۳۸۰ میلیون یورو بهره دریافت نموده بود.

این شرایط سبب اعتراض‌های گسترده عمومی در این کشور و اوج گرفتن محبوبیت حزب «سیریزا» شد. هم اکنون بحران اقتصادی یونان به اوج خود رسیده است: کاهش ۲۵ درصدی تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری ۵۰ درصدی در بین جوانان یونان، کمابیش وضعیت اتحادیه اروپا را نشان می‌دهد و ایتالیا، اسپانیا، ایرلند، پرتگال و... در صف انتظار تحولات ایستاده‌اند.

هزینه اصلی بحران اقتصادی سال‌های اخیر را جوانان پرداخته‌اند. به عنوان مثال، درصد بیکاری جوانان در کشورهای مثل ایتالیا، اسپانیا و یونان بین ۴۵ تا ۵۵ درصد است و ۷۰ درصد از فرصت‌های شغلی جدیدی که ایجاد می‌شود قراردادهای نیمه‌وقت و پاره‌وقت و مشاغل موقت هستند. در برخی از کشورها حقوق متوسط شاغلان ۲۲ تا ۲۹ ساله به نسبت سال ۲۰۰۶ حداقل ۱۰ درصد کاهش یافته است.

مردم یونان به ویژه کارگران و محرومان یونان، با دادن رأی گسترده به حزب «سیریزا» خواست خود را به پایان یافتن سیاست ریاضت اقتصادی در کشورشان اعلام کردند.

آنتونیوس ساماراس، نخست‌وزیر کنونی یونان که رهبر حزب «دموکراسی نو» است، متحمل شکستی سنگین شده است. حزب او تنها به ۷۶ کرسی در پارلمان جدید یونان دست یافته است.

او شکست خود در این انتخابات را پذیرفت و گفت که نتایج آن «بازتابنده خواست مردم است و باید آن را قبول کرد.» این سیاستمدار محافظه‌کار برای بسیاری از یونانی‌ها نماد ریاضت‌های اقتصادی محسوب می‌شود.

حزب «سیریزا» که گرایش‌های مختلف چپ و سوسیالیست در آن فعالیت دارند، در حالی پارلمان را تسخیر می‌کند و تشکیل دولت می‌دهد، که آخرین نمونه از تلاش نیروهای چپ و سوسیالیست برای تصرف قدرت سیاسی، به حدود ۷۰ سال پیش می‌رسد. آن دوره یونان با مداخله خونین دولت انگلستان و آغاز جنگ داخلی، نیروهای چپ و سوسیالیستی و کارگری را تا دهه‌ها، زیر سرکوب‌های شدید نیروهای راست برد. اما اکنون که تمامی نظرسنجی‌ها حکایت از آن دارند ستم‌دیدگان و محرومان و استثمارشدگان پیشین، پیروز سیاست‌های پایان دادن به تحقیر و ریاضت‌کشی مردم یونان هستند. اکنون به نظر می‌رسد عرصه مبارزه سیاسی - طبقاتی بین مدیریت اقتصادی حوزه یورو و آرمان‌های کارگری سوسیالیستی سرکوب‌شده، محدود به یونان نخواهد ماند و احتمالاً به سرعت به حوزه یورو گسترش خواهد یافت.

اکنون «پابلو ایگلسیاس» رهبر حزب «پودموس» اسپانیا در جریان کارزار تبلیغاتی «آلکسیس سیراس» رهبر حزب سیریزا، نشان از صف‌آرایی دوباره اروپائیان معترض در برابر کمیسیون اروپا، صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی این قاره دارد.

«سیریزا» (Syriza)، در سال ۲۰۰۴، به‌عنوان ائتلافی از ۱۳ گروه سوسیالیستی و سیاستمداران چپ مستقل تشکیل شده، پاسخی به فشارهای اقتصادی و سرکوب‌های سیاسی ناشی از وام و یا کمک‌های مالی اتحادیه اروپا به منظور حفظ منافع سرمایه‌داری، فشار بیشتر بر مزدبگیران با افزایش شدت استثمار و سن بازنشستگی و محدود کردن بیمه‌های اجتماعی و بیکاری و غیره بود که در سپتامبر ۲۰۱۴، برنامه‌ای کوتاه‌مدت به نام «تسالونیکی» را تنظیم و تدوین کرد؛ برنامه‌ای که با وجود تمامی انتقادهای درباره تحقق آن، دست‌کم روی کاغذ، نشان از عزم رهبران سیریزا برای تحقق وعده‌های خود مبنی بر تغییر وضع موجود و عدم پیروی از سیاست‌های سرمایه‌دارانه اتحادیه اروپا دارد. برنامه تسالونیکی، چهارمحور اصلی دارد: مقابله با بحران انسانی، احیای اقتصادی و برپائی عدالت مالیاتی، کاهش نرخ بیکاری و تغییر نظام سیاسی با تأکید بر ارزش‌های دموکراتیک. در کوتاه‌مدت با ایجاد ۳۰۰ هزار شغل جدید، افزایش حداقل دستمزدها، ارائه خدمات درمانی، برق و حمل‌ونقل رایگان به افراد کم‌درآمد و بیکار و تأمین مسکن برای آنان است تا در تحقق این اقدامات نیروی از دست‌رفته طبقه کارگر برای ایجاد تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گسترده جان تازه‌ای بگیرد.

بی‌بی‌سی فارسی در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴، به نقل از خبرنگاری به نام «گنورگوس کریستیدز» در آتن، نوشته بود: نیکوس سامانیدیس، که از مؤسسان ائتلاف رادیکال چپ، یونان یا حزب سیریزا است که در دفتر خود در شهر تسالونیک یونان زیر پرتره بزرگ رزا لوکزمبورگ، مارکسیست انقلابی نشسته است.

سامانیدیس که از مقامات ارشد حزب سیریزا در تسالونیک دومین شهر بزرگ یونان است، می‌گوید: «چپ، بعد از ده‌ها سال در موضع دفاعی قرار داشتن اکنون بازگشته، نه تنها در یونان بلکه در اروپا و نیز امریکای لاتین.» نیکوس سامانیدیس، تأکید می‌کند که با وجود خروج برق‌آسای حزب از گمنامی و تحکیم موقعیت حزب در طی اندکی بیش از دو سال، چشم‌انداز به قدرت رسیدن سبب تضعیف طبیعت رادیکال حزب نشده است: «روشن است که ثروتمندان، نخبگان، بازارها و اشخاص بی‌نهایت پولدار یعنی آن ده درصدی که در صدر قرار دارند، برای نگرانی دلیل دارند. آن‌ها مزایای خود را از دست خواهند داد.»

سامانیدیس می‌افزاید شمار رأی‌دهندگان به حزب سیریزا افزایش یافته ولی بحران کنونی سبب شده که ماهیت رادیکال حزب همچنان پابرجا باقی بماند. او می‌گوید سیریزا هرگز ارتباط خود را با خیابان‌ها و جنبش‌های اجتماعی که سیریزا برخاسته از آن‌هاست، قطع نخواهد کرد.

سپیراس، که جوان‌ترین رهبر سیاسی در تاریخ یونان است در تبدیل سیریزا از یک حزب کوچک به یک حزب حاکم بالقوه، نقش مهمی داشته و مهارت در سخنوری شهرت دارد. او کراوات نمی‌زند.

کریستوفوروس ورنارداکس، استاد علوم سیاسی دانشگاه ارسطو در تسالونیک و صاحب یک مؤسسه نظرسنجی می‌گوید: «دلیل این امر این بود که سپیراس جوان است و هراس به دلش راه نمی‌دهد. او یک حزب تدافعی چپ‌گرا را به صورت انتخاب معقولی برای تشکیل دولت درآورد.»

بعضی از مقاماتی که او را شخصاً می‌شناسند از او به عنوان «یک فرد معمولی شریف» یاد می‌کنند. ولی از سوی دیگر منتقدانش او را یک شخص متکبر، بی‌تجربه و تشنه قدرت معرفی می‌کنند.

ولی نیکوس کارانیکاس، دوست قدیمی سپیراس، این انتقادات را رد می‌کند و می‌گوید اگر چه از همان بدو امر معلوم بود که او یک رهبر است ولی مدتی طول کشید تا در اثر ترغیب ما پا پیش بگذارد و رهبری سیریزا را قبول کند.

کارانیکاس اضافه می‌کند که رهبر سیریزا هنوز در محله‌ای که ساکنانش از طبقه متوسط هستند زندگی می‌کند و تجربیات اولیه حرفه‌اش را هنگامی که به عنوان یک مهندس راه و ساختمان کار می‌کرد کسب کرده است. مقامات سیریزا، خود را برای یک مبارزه طولانی نیز آماده کرده‌اند. آقای کارانیکاس می‌گوید: «سیریزا اکنون برای نسل من پایان فاجعه را فراهم آورده. ما هراسی از حکومت کردن نداریم.»

سپیراس جوان در سال ۱۹۸۰ به حزب کمونیست یونان پیوست. در اوایل سال‌های ۱۹۹۰ در جنبش اعتراضی دبیرستان‌های یونان علیه قانون جنجال برانگیز وزارت آموزش امور مذهبی وقت شرکت کرد و نقشی مهمی را در این جنبش عهده‌دار شد.

برای سال‌ها نماینده سندیکای دانشجویی بود و با نمایندگان احزاب چپ و راست دیدار و مذاکره داشت. پس از سال‌ها فعالیت در رشته مهندسی عمران، در سال ۲۰۰۹ به پارلمان یونان راه یافت. در انتخابات پارلمانی ششم مه ۲۰۰۹، ائتلاف سیریزا به رهبری او توانست با کسب ۱۶/۷ درصد آراء و پس از حزب دموکراسی نوین با ۱۸/۸ درصد در جایگاه دوم قرار گیرد.

رهبر ائتلاف سیریزا، در دیدار با ژان لوک ملانشون، رهبر چپ‌های فرانسه در پاریس به سران کشورهای اروپایی هشدار داد که در سیاست‌های اقتصادی یونان دخالت نکنند.

سپیراس، در جریان سفر خود به المان و پس از ملاقات با رهبران حزب چپ المان از جمله زیگمار گابریل، به تندی از برنامه ریاضت اقتصادی تجویز شده برای یونان انتقاد کرد.

تاکنون سیاست سران اتحادیه اروپا در مقابل کشورهای به شدت مقروضی نظیر یونان این است که با اعطای وام مناسبات سرمایه‌داری را قوی‌تر کنند و با رضایت‌کشی اقتصادی نیروی کار را به کار بیش‌تر و خواست کم‌تر وادار سازند. و مهم‌تر از همه، بهره‌ای که از پرداخت این وام‌های درازمدت می‌گیرند از خود وام بیش‌تر است و عملاً به نفع سرمایه‌داران تمام می‌شود. به عبارت دیگر، این وام‌دهندگان هستند که کنترل جامعه مقروض را به دست می‌گیرند و قدرت خود را خارج از مرزهای کشورشان نیز به شهروندان دیگر کشورها اعمال می‌کنند. از این‌رو، دولت‌های سرمایه‌داری قدرت‌مند و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول این نهادهای سرمایه‌داری جهانی که به کشورهای ضعیف و در حال توسعه وام می‌دهند، علاقه‌مند هستند این کشورها همیشه مقروض بمانند تا سیاست‌های خود را بدون هیچ‌گونه مقاومتی به آن‌ها اعمال کنند.

برای مثال، ارجنتاین حدود یک دهه پیش، تصمیم گرفت با کمک مالی ونزویلا، قرضش را به صندوق بین‌المللی پول زودتر از موعد پرداخت کند و پاسخ صندوق بین‌المللی پول جالب و حیرت‌انگیز بود. چرا که صندوق بین‌المللی پول، به‌جای این که خوشحال باشد پولش را پس می‌گیرد، ابراز نگرانی کرد. در واقع قرض، چماقی و وسیله‌ای است که از طریق آن بتوان کشورهای مقروض را کنترل و مدیریت و منزوی کرد.

یونان از زمان آغاز بحران مالی‌اش در سال ۲۰۱۰ تا کنون مبلغ ۲۴۰ میلیارد یورو از اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول دریافت کرد و برای بازپرداخت این بدهی‌های سنگین ناگزیر شد ریاضت‌هایی اقتصادی در پیش گیرد.

در حالی که موضع کنونی رهبران سیریزا، از چارچوب رفم و اصلاحات فراتر نرفته، اما شدیداً با آماج حملات سردمداران اتحادیه اروپا و در رأس آن، آنگلا مرکل صدراعظم المان، کامرون نخست وزیر انگلستان و رئیس اتحادیه اروپا و... روبه‌رو شده‌اند.

شبهه اول تلویزیون المان «تاگس تمن» در باره دموکراسی در یونان با خشم و غضب می‌گوید: «باز هم دو مرتبه می‌خواهند انتخابات کنند!» و روزنامه «بیلد» چاپ برلین پررنگ می‌نویسد: «آنگلا مرکل نباید به آن تن در دهد!» صدر اعظم باید به یونانی‌ها بفهماند که «المان از دولت آینده یونان، به حق، چه انتظاری دارد.» از قرار معلوم دموکراسی بورژوائی چیز جز اطاعت پائینی‌ها از بالائی‌ها چیز دیگری نیست. اما به عکس، یونان می‌تواند نشانه امید برای آزادی و برابری و دموکراسی مستقیم در اروپا بشود.

با این حال و با توجه به شرایط جهانی و مناسبات کار و سرمایه، اکنون که نور امید و روزنه تغییرات اساسی در جامعه یونان پدید آمده است باید هم به حزب سیریزا کمک کرد و هم از موضع کارگری کمونیستی و ضدسرمایه‌داری این حزب را مورد انتقاد قرار داد تا در اثر فشارهای سران اتحادیه اروپا به سوی سیاست‌های راست نچرخد.

در حال حاضر روشن است که یونان توانائی پرداخت قرض‌های کنونی‌اش را ندارد. بنابراین، سؤال این است که آیا دولت جدید یونان این شجاعت را به خرج خواهد داد تا کل بدهی‌اش را منتفی اعلام کند؟ این کار را می‌توان انجام داد به شرطی که نیروی کار و مردم آزاده یونان را پشت این سیاست جسورانه بسیج کرد. فقط چنین عملی، امید به زندگی بهتر را در جامعه یونان بیشتر می‌کند و گسترش می‌دهد تا به سرنوشت خویش و جامعه‌شان بدون دخالت سران اتحادیه اروپا، حاکم باشند.

به این ترتیب چالش‌های زیادی در مقابل پیشروی سیریزا قرار دارد. تشکیل دولت، امکان خروج یونان از اتحادیه اروپا، یا خروج احتمالی این کشور از حوزه یورو نیز بیش از آن و مهم‌تر از همه سامان دادن به وضعیت مردم در راس همه اشتغال جوانان است.

اما به هر دلیلی اگر حزب سیریزا در پیش برد اهداف و برنامه‌های اقتصادی و سیاسی خود ناکام بماند، فاشیست‌ها و نژادپرستان با حمایت احزاب محافظه‌کار شکست خورده، فعال‌تر از گذشته وارد صحنه سیاسی و اجتماعی اروپا خواهند شد.

اکنون کارگران و مردم محروم یونان، به شدت نیازمند اتحاد و حمایت داخلی و بین‌المللی هم‌طبقه‌هایشان است. نخست برای دفاع از حق آزادی و برابری و دموکراسی در برابر حملات داخلی یا خارجی. این امکان وجود دارد که حزب پودموس بتواند در اواخر سال ۲۰۱۵ در اسپانیا به قدرت برسد. همچنین احتمال قدرت گرفتن حزب چپ در المان، «مهد اتاق فکر» ریاضت اقتصادی اتحادیه اروپا، وجود دارد. بنابراین سال ۲۰۱۵ سالی خواهد بود که ریاضت اقتصادی در سراسر قاره اروپا مورد سرزنش قرار خواهد گرفت. یا سال پایان یک چالش برابری‌طلبانه و سوسیالیستی در برابر سیستم سرمایه‌داری عنان گسیخته خواهد بود.

می‌توان از تحولات یونان خوشحال بود بدون این که درباره این تحولات دچار خوش‌باوری زودگذر شد؛ می‌توان اهمیت نداد و از کنار آن گذشت، چرا که هنوز بحثی ضدسرمایه‌داری جدی نیست؛ می‌توان مانند آن بخش از چپ و نیروهائی که به دنبال یک جنبش سوسیالیستی ناب می‌گردند فقط انتقاد کرد، دست به سیاه و سفید نزد تا منزله ماند؛ می‌توان به استقبال هر تغییر کوچک و مثبت در جهت بهبود وضع طبقه کارگر و مردم محروم رفت و آن را تقویت کرد و به سطوح عالی‌تری ارتقا داد.

بیشک هر نیروئی که ادعای کارگری کمونیستی دارد نمی‌تواند نسبت به این نوع تحولات بی‌تفاوت بماند و صرفاً نظارمگر و منتقد باشد از این‌رو، به عقیده من باید با شور و شوق و امید به استقبال این تحولات شتافت و با کار و کوشش سخت، خشت روی خشت گذاشت و ساختمان سوسیالیسم را با بنای محکم برپا کرد!

«شاید جمله کارل مارکس به واقعیت نزدیک می‌شود: سرمایه‌داری با بذری که خود افشاندن ناپود خواهد شد.» این گفته کریستین لاگارد، رئیس صندوق بین‌المللی پول، به مناسبت آغاز کار اجلاس سالیانه داووس بیان شده است. روزنامه گاردین در مقاله‌ای در مورد اجلاس داووس با اشاره به گزارش اخیر مؤسسه آکسفام در مورد «نابرابری شدید در توزیع درآمد و ثروت» می‌نویسد «به اعتقاد ناظران سیاسی و اقتصادی، توزیع نابرابر ثروت و درآمد عامل اصلی ادامه‌دار شدن بحران اقتصادی در ۷ سال گذشته بوده است.» بنا بر گزارش آکسفام ثروت ۸۰ نفر از ثروتمندترین سرمایه‌داران معادل نیمی از مردم جهان و ثروت ۱ درصد مردم جهان بیش از دارایی ۹۹ درصد بقیه است. در چند سال اخیر مسأله نابرابری‌های فاحش و وضعیت انفجاری ناشی از آن یک موضوع محوری نگرانی‌ها و هشدارهای سرمایه‌داران و دولت‌ها و کارشناسان سرمایه‌داری بوده است.

این گفته رئیس صندوق بین‌المللی پول در آستانه کنفرانس سران و سرمایه‌داران از مارکس، بازتاب‌دهنده ابعاد بحران و گستردگی سیستم سرمایه‌داری جهانی است. مارکس بنیان‌گذار سوسیالیسم علمی، راه بیرون‌رفت از سرکوب و ستم، تبعیض و استثمار سرمایه‌داری را نشان داده است. به عقیده مارکس، سرمایه‌داری نه خودبخودی، بلکه از طریق مبارزه سیاسی طبقاتی طبقه کارگر و همه نیروهای مدافع آن در یک صف متحد و متشکل سراسری و هدفمند، واژگون می‌گردد و به استثمار انسان از انسان خاتمه داده می‌شود.

سه‌شنبه هفتم بهمن [دلو] ۱۳۹۳ - بیست و هفتم جنوری ۲۰۱۵